

۱۴۷۷۴۴۹

۹۵,۱,۲۲

ژان پل سارتر

# دست‌های آلوده

نمایشنامه در هفت مجلس

ترجمه

جلال آل احمد



انتشارات سید

سرشناسه: سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵ - ۱۹۸۰ م. Sartre, Jean paul  
عنوان و نام پدیدآور: دست‌های آلوده: نمایشنامه در هفت مجلس / ژان پل سارتر؛ ترجمه‌ی جلال آل‌احمد.  
مشخصات نشر: تهران: نشر به‌سخن، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ م.س.  
شابک: 978 - 600 - 7987 - 21 - 6  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: Les mains sales.  
موضوع: نمایشنامه فرانسه - قرن ۲۰ م.  
شناسه افزوده: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸، مترجم.  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ د ۵ ۴۵ الف / PQ ۲۶۲۳  
رده‌بندی دیوبنی: ۸۴۲/۹۱۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۵۴۹۰



انتشارات مجید



نشر به سخن

تهران، انقلاب، خ. ۱۲ فروردین، خ. لبافی‌نژاد شمالی ۲۴۰  
تلفن: ۶۶۴۹۱۵۸۸ - ۹۵۷۱۳

ژان پل سارتر  
دست‌های آلوده  
جلال آل احمد

چاپ سوم (اول ناشر)، تهران، ۱۳۹۵ ه. ش.  
۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی گلپا گرافیک، چاپخانه‌ی جام طلایی  
همه‌ی حقوق محفوظ است.

شابک: ۶ - ۲۱ - ۷۹۸۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

این اثر تا نوبت چاپ دوم توسط انتشارات مجید منتشر شده است.

[www.majidpub.com](http://www.majidpub.com)

۱۲۵۰۰ تومان

# عنوان‌های چاپ شده‌ی این انتشارات از زنده‌یاد جلال آل‌احمد

## داستان:

از رنجی که می‌بریم

پنج داستان

چهل طوطی (با سیمین دانشور)

دید و بازدید

زن زیادی

سرگذشت کندوها

سه تار

مادر مدرسه

تقریب بر زمین

بزرگ و آتش

## مشاهدات:

اورازان

جزیره خارک در یتیم خبیج فارس

## سفرنامه:

حسی در میقات

سفر به ولایت عزراییل

## مقالات:

ارزیابی شتابزده

در خدمت و خیانت روشنفکران

غرب‌زدگی

هفت مقاله

یک چاه و دو چاله

## ترجمه:

دستهای آلوده (نمایشنامه)

سوء تفاهم (نمایشنامه)

قمارباز (داستان)

گرگدن (نمایشنامه)

ژان پل سارتر

آلبر کامو

داستایوسکی

اوژن یونسکو

## سخن ناشر

جلال آل احمد یکی از پرکارترین نویسندگان ایران است که توانسته در طول عمر کوتاهش آثار ارزشمندی را ماندگار ماندگاری از خود به یادگار بگذارد و صاحب سبکی شود که نامش را تا ابد بر تارک تاریخ ادبیات ایران ثبت و جاودانه کند. نگاهی به کارنامه‌ی هنری او با نگاهی تلاش بی‌نظیرش در راه روشنگری جامعه‌ی بیخزده‌ی آن روزگار ایران است.

بی‌شک هم‌نشینی با نیما یوشیج، پدر شعر نو ایران و نیز پیوند زناشویی‌اش با سیمین دانشور در شکل‌گیری و تکامل اندیشه‌ی او بی‌تأثیر نبوده است.

همانگونه که نیما یوشیج در شعر پارسی تحول ایجاد کرد و پس از او شاعران بسیاری راه او را تداوم و تکامل بخشیدند و نام نیما به‌عنوان برج و راهگشای سبکی تازه در شعر، ثبت و ضبط شده، نام جلال نیز در نثر فارسی به‌عنوان مبدع و متحول‌کننده‌ی آن، می‌درخشد و بسیاری از نویسندگان معاصر و پس از او - خودآگاهانه - وادگاه - سبک و سیاق او را در پیش گرفتند و بعضی از آنها حتی از خود او هم پیشتر هستند؛ اما نام و اندیشه‌ی جلال به‌عنوان پیشکسوت آنان همچنان از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است.

اکنون پس از گذشت چند دهه از مرگ او، رسالتی بر دوش متولیان چاپ و نشر مانده تا یاد و نام او و همه‌ی پیشروان میدان نثر و نظم ادب پارسی را زنده نگه دارند و با چاپ و انتشار آثار این بزرگ‌مردان و بزرگ‌زنان، نسل امروز را با اندیشه و کار آنان آشنا کنند تا امروزیان نیز به ارزش و نقش آنها در تحول نظم و نثر پارسی پی برده و بدانند که زبان و اندیشه‌ی ایرانی چگونه به آنها رسیده و در طول تاریخ پرتشعب و فراز زبان، چه کسانی پرچمدار و پاسداران آن بوده‌اند.

انتشارات مجید در راستای همین هدف و آشنایی علاقه‌مندان با بزرگان ادب پارسی، اقدام به انتشار مجموعه آثار جلال آل احمد یکی از این بزرگ‌مردان کرده است. از آنجا که

نوشته‌های آل احمد طبق الگوی ویرایشی و رسم‌الخط آن زمان و با وجود امکانات کم چاپخانه‌های ایران زیور ضبع یافته بود، بر آن شدیم تا از این نظر دست ناچیزی به این آثار برده و آن را تنها مطابق رسم‌الخط امروزی درآوریم؛ اما برای نیل به این هدف به هیچ وجه به شیوه و سبک نگارش آل احمد کاری نداشتیم و تنها به اصلاح غلط‌های چاپی و علامت‌گذاری‌هایی از قبیل ویرگول، ویرگول نقطه، نقطه و... اکتفا نمودیم. باشد تا مورد رضایت دستداران آثار آن زنده‌باد قرار گیرد.

انتشارات مجید

www.ketab.ir

## مقدمه

دستهای آلوده سما نامی، از ژان پل سارتر است که جلال آل احمد آن را به فارسی ترجمه کرده است. جلال آل احمد به برخی از نویسندگان خارجی که آنها را تاحدی در زمینه فکری با خود نزدیک می بیند، علاقه دارد و این علاقه فکری اش را با ترجمه برخی آثار آنها نشان می دهد. از جمله آنها فیلسوف بزرگ فرانسه، ژان پل سارتر است.

سارتر در سال ۱۹۰۵ میلادی در پاریس و در یک خانواده بورژوا به دنیا آمد. پدرش افسر نیروی دریایی بود که یک سال پس از به دنیا آمدن او، یعنی در سال ۱۹۰۶ به دنبال یک تب شدید درگذشت. ژان پل کوچک به همراه مادرش به خانه پدر بزرگش رفته و آداب و رسوم زندگی اشرافی و پرتجمل آنجا را فرا می گیرد و پرورش می یابد. در همین زمان ژان پل به دنبال یک سرماخوردگی سببی از بینایی اش را از دست می دهد و قیافه ای زشت پیدا می کند و تا آخر عمر با یک لکه سفید در چشم و لوچی چشم زندگی می کند. در سال ۱۹۱۷ مادرش با آدمی بورژوا و بسیار مستبد به نام جوزف مانسی که رئیس شرکت کشتی سازی دولونه بلویل بود، ازدواج می کند و سارتر به همراه مادرش به خانه جوزف مانسی در شهر لاروش نقل مکان می کند و در سال ۱۹۲۰ دوباره به پاریس برمی گردد. در سال ۱۹۲۹ با سیمون دوبوار آشنا می شود و در همین سال با رتیۀ

اول در رشته فلسفه از مدرسه نورمال سوپریور فارغ‌التحصیل می‌شود و در سال ۱۹۳۹ اولین کار فلسفی او یعنی **طرح نظریه عواطف** انتشار می‌یابد. در همین سال و با شروع جنگ جهانی دوم، او نیز به خدمت ارتش فراخوانده می‌شود و در واحد هواشناسی ارتش مشغول می‌شود. از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ اسیر جنگی بود. سال ۱۹۴۲ مهمترین اثر فلسفی‌اش به نام **هستی و نیستی** را به چاپ رساند. در سال ۱۹۴۴ اولین مجله‌اش به نام **زمانه نوین** را منتشر می‌کند. سال ۱۹۴۸ همزمان با خاتمه جنگ دوم جهانی، کتاب **اگزستانسیالیسم و اصالت بشر** انتشار می‌یابد و سارتر به عنوان اولین مفسر اگزستانسیالیسم جهانی، مشهور می‌شود. سارتر در سال ۱۹۵۲ جذب مکتب مارکسیست می‌شود و در سال ۱۹۶۰ **نقد عمر دیالکتیک** را به چاپ می‌رساند. در سال ۱۹۶۴ به خاطر چاپ اتوبیوگرافی **کلمات** که در واقع زندگینامه خود اوست، جایزه ادبی نوبل به او تعلق می‌گیرد؛ اما سارتر به خاطر نگرش و اعتقاداتش از پذیرفتن آن سرباز می‌زند و سرانجام در سال ۱۹۸۰ رادیکال سارتر در سن ۷۴ سالگی چشم از جهان فرومی‌بندد. او که در زمان حیاتش روحی - مجالی و ماجراجو داشت، پس از مرگش نیز، مراسم تشییع جنازه‌اش به یک نماز خرابانی تبدیل می‌شود.

**دست‌های آلوده** نمایشی از یک زندگی تشکیلاتی و حزبی است که در آن اعضاء حزب باید چندان به حزب و اهداف وفادار باشند که دستوراتش را بدون چون و چرا اجرا کنند؛ حتی اگر آن را برخلاف میل دروغ‌ها، حساسات و عواطف شخصی خود ببینند. در واقع برای وارد شدن به تشکیلات حزبی و سیاسی، آدم باید تمامی شیوه‌ها و روشهای زندگی غیرحزبی خود را کنار بگذارد و سراپا مطیع بی‌چون و چرای اهداف و مصلحت‌های حزب باشد. ایمان به حزب، باید به حد نهایتش ذهن و رفتار و عملکرد اعضاء را تحت سیطره خود بگیرد. هیچ عذری برای شانه‌خالی کردن از فرمان حزبی پذیرفته نیست و کسی که در اجرای دستور حزب، کوچکترین اما و اگر بی‌آورد، خائن محسوب شده و باید از بین برود.

شخصیت اصلی این داستان یعنی هوگو در ابتدا عضوی ساده است که کارهای کم‌اهمیت حزب را برعهده دارد؛ اما می‌خواهد کار بزرگی انجام دهد تا حزب او را به‌عنوان مهره‌ای فعال بشناسد و در انجام مأموریت‌های خطیر و مهم رویش حساب کند. انگیزه هوگو برای وارد شدن به حزب، تفرش از زندگی بورژوازی گذشته‌اش است و دلیل عدم اعتماد اعضاء حزب را زندگی بورژوازی غیرحزبی‌اش می‌داند. همه او را آدمی نازپرورده و رنج‌نندیده و گرسنگی‌نکشیده می‌دانند و با این دید او را از خود جدا می‌بینند.

سرانجام هوگو برای ترور یکی از افراد رده‌بالای حزب که باعث اختلاف درون‌حزبی شده است، انتخاب می‌شود. این شخص که هودهر نام دارد، هنگامی که پاریس را ترک می‌کند، طرحی ارائه می‌دهد که در نتیجه‌اش نوعی سازش بین حزب و دشمنان قدیمی‌اش است و با رای موافق اکثریت اعضاء، آن را به تصویب می‌رسانند؛ اما تندروهای حزب که مخالف این طرح هستند وقتی تلاش خود را برای رد طرح او شکست می‌بخشند، تصمیم به ترور او می‌گیرند و این فرصت را در اختیار بچه‌رژوای نازپرورده می‌گذارند تا خودش را مورد اعتماد حزب کند. هوگو به‌همراه زرش به‌حانه هودهر می‌رود و با سمت منشی او به‌کار مشغول می‌شود. در طول اقامتش در خانه هودهر او را متقاعد می‌کند که طرحش نه تنها به‌ضرر حزب نیست که باعث قوی‌تر شدن حکومت و در اختیار گرفتن قدرت در دست حزب می‌شود. در آخرین لحظات، که هوگو تصمیم می‌گیرد از مأموریت خود سرباز زند، زرش را در آغوش می‌گیرد و او که مأموریت حزبی‌اش را نادیده گرفته، خیانت هودهر در مورد زرش را نمی‌تواند نادیده بگیرد و به‌خاطر همین هودهر را از پای درمی‌آورد و به‌این ترتیب، ترور حزبی، تبدیل به انتقام عشقی می‌شود. بعد از آزادی از زندان، حزب او را نیز خیانتکار به حساب می‌آورد و تصمیم به کشتنش می‌گیرد؛ زیرا اکنون حزب متقاعد شده و همان طرح هودهر را اجرا کرده و از او به‌عنوان قهرمان تسلیم‌ناپذیر حزب تجلیل می‌کند. هوگو با دریافتن بازبهای سیاسی،



اکنون تمام آرمانهای حزب را به تمسخر می‌گیرد؛ دیگر اعتماد حزبی را نمی‌خواهد و با وجود اینکه می‌تواند با جلوه‌دادن ترور هودرر به‌عنوان یک ترور سیاسی خود را از مرگ نجات دهد، این کار را نمی‌کند و خود را تسلیم مرگ می‌کند.

جلال که خود مدت زیادی جذب تشکیلات حزبی بود و با شکست عقیدتی خود در روند مبارزات حزب سرخورده شده بود، ترجمه این نمایشنامه سارتر را لازمه‌ی زمان خود می‌دانست و در واقع آن را موافق با تحول فکری خود و قهرمانان داستان را تا اندازه‌ی زیادی شبیه خودش می‌دانست، البته این شخصیت با شخصیت نمود سارتر نیز هماهنگی و شباهت دارد.

این نمایشنامه اولین بار در تاریخ دوم آوریل ۱۹۴۸ در صحنه تئاتر آنتوان پاریس به صحنه آمد. ترجمه‌ی این نمایشنامه در تهران نیز در تاریخ ۱۸ تا ۲۵ اسفندماه ۱۳۳۵ در تئاتر تهران با بازی اردلان آقایی، فتح‌الله والا اجرا شد.

سیدعلی شاهی